

مستندسازی کالبدی و کارکردی خانه تاریخی الفت

آزاده حریری

دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول
haririarc@gmail.com

مریم قاسمی سیچانی

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
Mghasemi@khuisf.ac.ir

بهنام پدram

دانشیار دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان
b.pedram@au.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

چکیده

میراث معماری مسکونی ایران از تنوع و کثرت بیش‌تری نسبت به سایر گونه‌های معماری برخوردار است. توسعه مدرن شهرهای تاریخی باعث تخریب و تغییراتی در کالبد خانه‌های تاریخی شده است. خانه‌های دیروز به مثابه دانه‌های ارزشمندی که در گذشته نقاط هویت‌آفرین بافت‌های تاریخی بوده‌اند و ارزش‌های فراوان در ابعاد کالبدی و فراکالبدی دارند، امروزه نه تنها به دست فراموشی سپرده شده‌اند، بلکه گاهی به نقاط بحران‌آفرین محله تبدیل شده‌اند. تبعات این بی‌توجهی به بافت‌های تاریخی، خدشه‌دار شدن هویت تاریخی و فرهنگی آنها است. از جمله ناهنجارترین رفتارها برای تخریب میراث مسکونی اصفهان، ایجاد آتش‌سوزی عمدی در این ابنیه است. خانه الفت یکی از گونه‌های معماری مسکونی ایرانی است که با وجود ارزش‌های کالبدی، دارای شناسه‌های فراکالبدی بی‌نظیری بوده است. خانه‌ای که در گذشته یکی از نشانه‌های فرهنگی محله حسن‌آباد بود، امروز به ناامن‌ترین جزء محله تبدیل شده است و اهالی محله برای بازگرداندن آرامش و حس امنیت به تخریب این میراث باارزش دست می‌زنند. این پژوهش در پی پاسخگویی به چگونگی ساختار کالبد و کارکرد خانه الفت به منظور مستندسازی آن بر اساس مصالحه‌های شفاهی و آرشیوهای شخصی و دولتی است. اهداف اصلی پژوهش در راستای پاسخگویی به پرسش کلیدی به این قرار است که با تحلیل ویژگی‌های کالبدی و کارکردی خانه الفت بتوان به مستندسازی علمی این بنا در راستای تبیین ارزش‌های این خانه به عنوان نمونه‌ای از میراث مسکونی تخریب‌شده شهر اصفهان پرداخت. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با اهداف توسعه‌ای و بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده و یافته‌ها طبق روشی کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر تحلیل شده‌اند. نتیجه پژوهش بیانگر آشکار شدن ارزش‌های کالبدی و کارکردی خانه (با مطالعه اسناد تاریخی) در مقایسه با برخی از خانه‌های تاریخی هم‌دوره آن در بافت تاریخی محله حسن‌آباد اصفهان است.

واژه‌های کلیدی

خانه‌های تاریخی اصفهان، محله حسن‌آباد، خانه تاریخی الفت، مستندسازی.

در باره آثار معماری ایرانی همچون مسجد و کاخ و آرامگاه، منابع مکتوب قابل توجه‌تری نسبت به خانه‌های تاریخی موجود است. این در حالی است که بازشناسی سنت و فرهنگ بومی که در بست‌ زندگی در زیستگاه‌های خرد و کلان ایران پا گرفته، غالباً در مطالعات معماری ایران کنار گذاشته شده است. بنای موضوع این تحقیق در گذشته در میان اهالی محله حسن آباد به «خانه‌باغ الفت» و در میان اهل قلم به «انجمن ادبی الفت» مشهور و شناخته بوده است. در گذشته انسان‌هایی این کالبد‌های بی بدیل را خلق کرده اند، انسان‌هایی در این مکان زیسته‌اند و از آن حفاظت کرده اند. امروزه این خانه به مکانی ناامن برای گروهی از انسان‌ها مبدل شده است و آنها برای زندگی بهتر در بافت‌های تاریخی به تخریب و نابودی آن اقدام می‌کنند. در واقع خانه‌ای که انسان آن را خلق و تداوم بخشیده توسط همان انسان به عمد تخریب می‌شود. نمونه دیگری از خانه‌هایی که با ایجاد آتش سوزی عمدی در شهر اصفهان تخریب شده اند، خانه نخچیان در محله دردشت است. این شرایط لزوم مستندسازی دقیق میراث فرهنگی را گوشزد می‌کند تا اگر سازه‌ای خواه طبیعی و خواه انسانی در بنایی رخ داد، به طوری که به تخریب کامل شناسه‌های کالبدی آن منجر شد، با توجه به مدارک موجود بتوان بخشی از ارزش‌های بنا را باززنده‌سازی کرد. دستاورد این پژوهش تبیین ارزش‌های کالبدی و فراکالبدی خانه تاریخی الفت بر اساس مستندسازی، واکاوی متون و مصاحبه‌های شفاهی است. در مستندات باقی‌مانده این بنا کتیبه‌ای که به معرفی بانی و سازنده و سال ساخت اشاره کند، یافت نشد. از این رو برای تاریخ‌گذاری قدمت بنا و معرفی بانی خانه به مصاحبه‌های شفاهی با خانواده الفت و نوشته‌ها و اسناد خانوادگی اتکا شده است. همچنین برای اعتبارسنجی یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های شفاهی، به مقایسه بنا با سایر خانه‌هایی که از نظر سبکی مشابهت‌های کالبدی دارند، پرداخته شد. آنچه در تحقیق پیش رو مسجل است، بحث درباره یافته‌هایی است که از مقابله شواهد متنی و مشخصه‌های کالبدی و فراکالبدی در مستندات باقی‌مانده و مصاحبه شفاهی با افرادی که فضای معماری خانه را درک نموده، به دست آمده است. برای این منظور، حالت‌های مختلف تشریح شده و در هر مرتبه با استناد به یافته‌ها به رد یا محتمل بودن آن‌ها حکم شده است. یکی از ابزارهای این تحقیق تفحص در زندگی‌نامه‌های شخصیت‌هایی است که در دوران حیات خود در ایام مختلف در خانه الفت حضور می‌یافتند. غالباً در توصیفات این افراد، ویژگی‌های کالبدی و فراکالبدی خانه برجسته شده است.

پیشینه پژوهش

از اولین متونی که به لزوم حفاظت و توجه به خانه‌های تاریخی اصفهان اشاره کرده باید از کتاب *بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان* از عباس بهشتیان که در دهه ۱۳۴۰ منتشر شده یاد کرد. در دهه ۱۳۵۰ کاراپتیان با همکاری گالدیری کتاب *خانه‌های ارامنه جلفای نو اصفهان* را با موضوع مستندنگاری خانه‌های جلفا، به ایتالیایی و انگلیسی تالیف می‌کنند که از جمله اولین منابع در حوزه معماری خانه‌های اصفهان است. سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران در سال ۱۳۵۳ همایشی را به منظور آشنایی اعضای انجمن‌های حفاظت آثار باستانی با وظایف ملی خود در این حوزه برگزار می‌کند و محمدکریم پیرنیا (۱۳۵۳) سخنرانی‌ای با موضوع «خانه پدری، زبان مادری، پیمان نامه خویشاوندی ماست» بیان می‌کند. از حدود دهه ۱۳۷۰ است که توجه و پرداختن به خانه ایرانی، در ادبیات معماری ایران با مقالات و کتاب‌هایی از محمدکریم پیرنیا، عبدالله جبل عاملی، فرهاد ابوالضیاء و محمدرضا قزلباش، کامبیز نوایی و کامبیز حاجی قاسمی، غلامحسین معاریان و مجموعه گنج‌نامه (خانه‌های کاشان و اصفهان) پررنگ‌تر به چشم می‌خورد. غالباً قدیمی‌ترین توضیحات درباره خانه‌های تاریخی اصفهان را می‌توان در سفرنامه‌های تاریخی جست‌وجو کرد که شامل توصیفات نوشتاری و در پاره‌ای موارد گراور است. پینون (۱۳۹۲) توضیحات پاره‌ای از سفرنامه‌ها درباره خانه‌های اصفهان را آورده است که آنها را در بخش‌هایی چون سیمای شهری، سازه و مصالح، و فضاهای خانه دسته‌بندی کرده است. دیبا، ریوالت و سانتلی (۱۳۹۲) در کتاب *خانه‌های اصفهان* به گونه‌شناسی، نقش طبیعت، فضای معماری و سازه در خانه‌های اصفهان پرداخته اند. همچنین قاسمی سیچانی و معاریان (۱۳۸۹) به گونه‌شناسی خانه‌های قاجاری اصفهان پرداخته اند. و نیز قاسمی سیچانی و حریری (۱۳۹۷) در کتاب *خانه‌های قاجاری اصفهان* به مستندنگاری پنج خانه قاجاری در اصفهان پرداخته اند. تاکنون به مستندسازی علمی ارزش‌های کالبدی و فراکالبدی خانه الفت و ارائه تک‌نگاشتی از ویژگی‌های این میراث مسکونی تخریب‌شده اصفهان پرداخته نشده و این وجه که از نوآوری‌های تحقیق حاضر به شمار می‌آید.

روش پژوهش

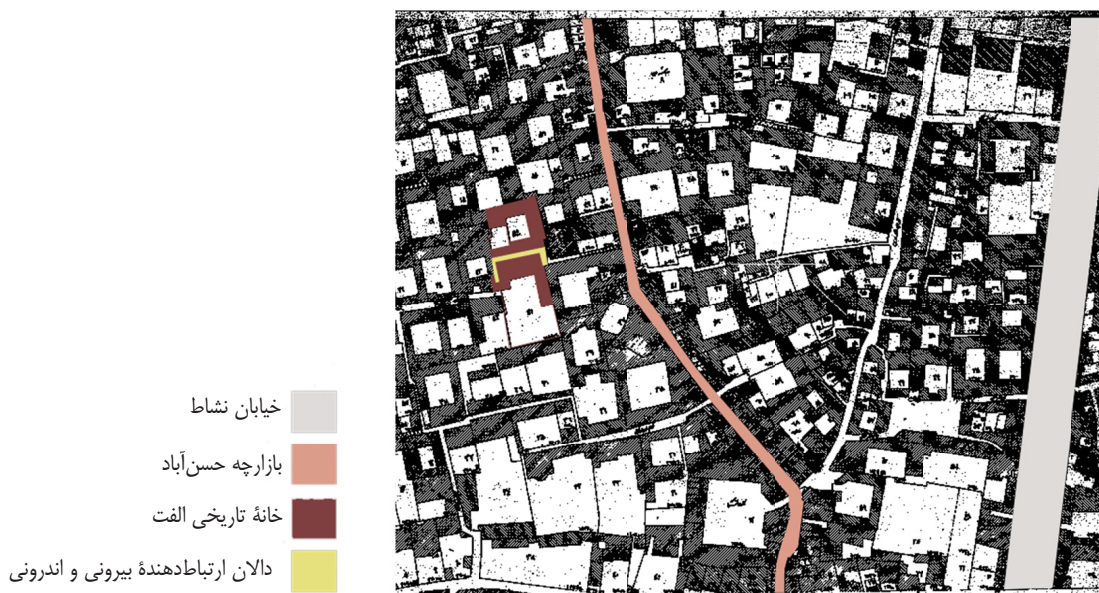
روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و موردپژوهانه است و با اهداف توسعه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده است و در نهایت تحلیل داده‌ها بر طبق روش کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر بوده است.

موقعیت خانه در محله

خانه الفت در محله‌ای قرار داشت که در متون تاریخی نام این محله باغات، حسن‌آباد، قصر منشی، ساروتقی و پشت مسجد شاه ذکر شده است (نقشه ۱ و ۲). شکل‌گیری محله به صورت ارگانیک و تدریجی بوده است و تحولات تاریخی و اجتماعی تغییرات متعددی را در ویژگی‌ها و ساختار محله‌ها ایجاد کرده است. از این رو نام و حدود محلات در دوران‌های مختلف دچار تحولات شده است. «باغات» قدیمی‌ترین نامی است که در متون برای این محدوده ذکر شده است. محله باغات در کنار جاده محله خواجه بوده که در آن امامزاده احمد بن علی بن محمدباقر حسینی مدفون است و قدیمی‌ترین تاریخی که بر روی سنگ‌های این مقبره مشاهده می‌شود مربوط به ۵۶۳ق است. وجه تسمیه محله باغات به این ترتیب است که باغ‌های زمان ملک‌شاه سلجوقی بیشتر در این بخش اصفهان واقع بوده است. همچنین محله قصر منشی که به آن «قبرسون موشی» نیز گفته می‌شود، از محلات معتبر اصفهان در عصر صفویه بوده و قسمتی از محله باغات محسوب می‌شده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۱۸۸-۱۸۷). طبق احصائیه جناب در محله باغات، حدود ۳۱۸ خانه مسکونی وجود داشته است (جناب، ۱۳۹۳: ۶۲). در نقشه سلطان سیدرضاخان و برخی متون تاریخی، این محله «حسن‌آباد» نامیده شده است. دروازه حسن‌آباد یکی از قدیمی‌ترین دروازه‌های اصفهان است که در این محله

قرار دارد. وجه تسمیه دروازه را برخی وجود کاخ شاه حسن در نزدیکی آن می‌دانند و همچنین برخی معتقدند بانی آن (دروازه) اوزون حسن آق‌قویونلو بوده است. این دروازه در انتهای یک بازار طولانی و در ابتدای بازار دیگری قرار گرفته که این بازارها تا دروازه طوقچی ادامه داشته است (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۲). حسن‌آباد در دوران صفوی محله‌ای پررونق بوده و به علت فاصله نزدیک این محله با پل خواجه، این پل را حسن‌آباد نام‌گذاری می‌کنند. پس از حمله افغان‌ها در محله حسن‌آباد خرابی‌هایی ایجاد می‌شود و [حسن‌آباد] از رونق و آبادانی می‌افتد و بعد از آن، پل مزبور را خواجه می‌نامند (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۹).

در گذشته زندگی جمعی اقوام و خانواده‌ها و اقدامات عمرانی شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی در آبادانی محلات، باعث مرزبندی‌های جدید می‌شده و نام محله متأثر از این رویدادها و همزیستی‌های جمعی تعیین می‌شده است. پولاک در سفرنامه خود چنین گزارش می‌دهد: «...تمام اعضای یک خانواده در یک محله شهر ساکن اند و می‌کوشند تمام زمین‌های موجود در آن محله را بخرند...» (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۰). به سبب اقدامات عمرانی ساروتقی خان این محدوده به محله ساروتقی و به خاطر نزدیکی با مسجد شاه به محله پشت مسجد شاه معروف می‌شود و چون خانواده آقا نجفی‌ها در این محله ساکن بودند به آنها خاندان مسجد شاهی نیز می‌گفتند. در مجاورت خانه الفت، بناهای تاریخی همچون امامزاده احمد، مسجد ساروتقی، کاروانسرای ساروتقی و مدرسه عربان واقع شده است.



نقشه ۱. سایت پلان خانه تاریخی الفت (مأخذ: نقشه ارگانیک اصفهان، ۱۳۳۵).



نقشه ۲. وضع تخریب‌شده خانه الفت در بافت تاریخی محله حسن‌آباد (مأخذ: طرح تفصیلی اصفهان، ۱۳۹۵).

مالکیت و قدمت خانه

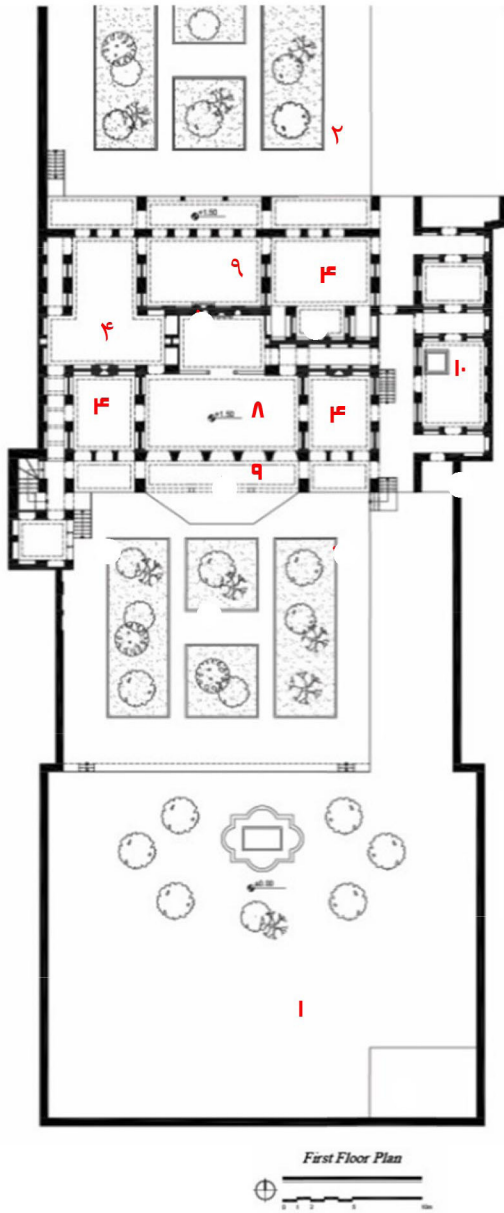
خانه تاریخی الفت سال ۱۲۹۵ در زمین‌های موروثی خاندان آقاجفی در محله پشت مسجد شاه، توسط محمدباقر الفت ساخته شد (الفت، ۱۳۹۵). در گذشته اهالی محله با زبان، مذهب، اصل و نسب مشترک، کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و قرارگیری خانه‌های خویشاوندان در مجاورت هم، از ویژگی‌های بافت مسکونی محله‌های تاریخی اصفهان بود. پولاک دربارهٔ همنشینی خانه خویشاوندان در محله‌ها می‌نویسد: «...یکی از خصوصیات ایرانی‌ها این است که به محض آنکه به مقامی، قدرتی و ثروتی برسند منزل جدیدی ترتیب می‌دهند و آن را بدون اندازه معقول بی هیچ هدف و مقصودی توسعه می‌بخشند. ایرانی از ساختن و توسعه دادن لذت می‌برد. دور تا دور خانه او را افراد قوم و قبیله و بستگان و اعضای طایفه، و از آنها فراتر، نوکران و مراجعان وی گرفته اند به طوری که پس از مدتی کوتاه آن مجموعه به محله‌ای از شهر مبدل می‌شود...» (پولاک، ۱۳۶۱: ۴۵). غالباً خانه‌های خاندان آقا نجفی در محله پشت مسجد شاه بوده است.

شکل خانه

خانه الفت از دو بخش اندرونی و بیرونی و سه حیاط تشکیل شده است. با ایجاد بخش بیرونی، زندگی خصوصی خانواده از دید مراجعان و افراد غریبه محفوظ

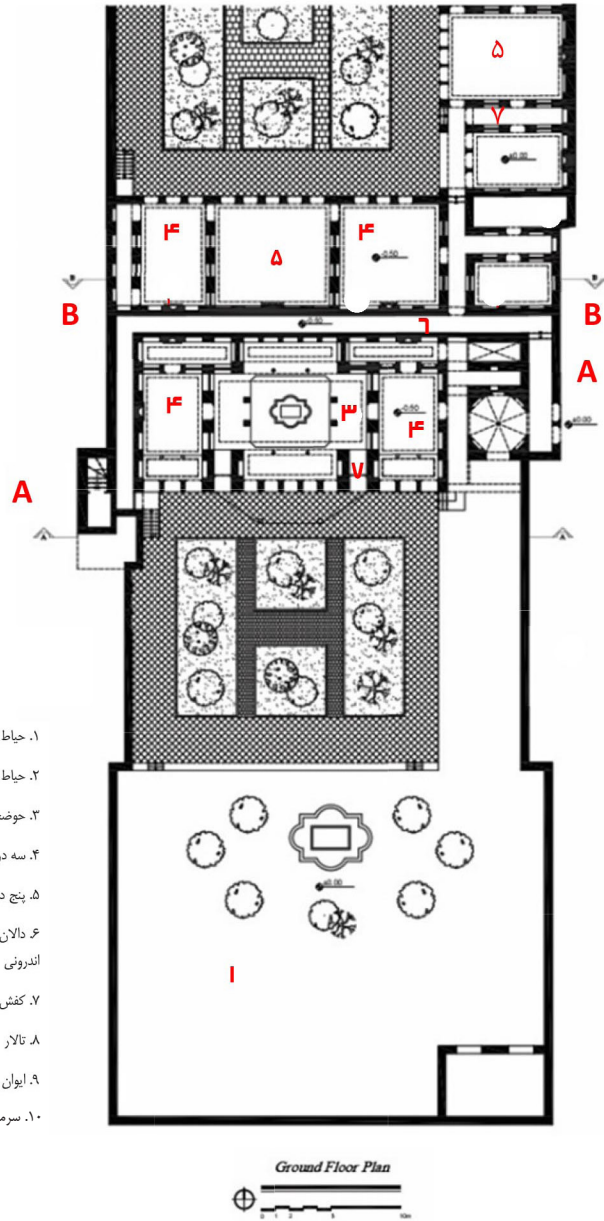
مانده است. دو حیاط بخش بیرونی و اندرونی دارای محور طولی شمالی - جنوبی مشترک هستند (مانند خانه‌های آقا نجفی (خانه مشروطیت)، مشکی، و صیغور قاسمی) و به واسطهٔ دالانی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. فضاهای بستهٔ بخش اندرونی در سه جبههٔ پیرامون حیاط انتظام یافته و فضاهای بستهٔ بیرونی در جبههٔ شمالی و شرقی حیاط قرار گرفته اند. حیاط خدماتی در مجاورت حیاط اندرونی قرار دارد و با اختلاف سطح از آن متمایز می‌شود. در ضلع شمالی بیرونی با ارتفاع گرفتن از سطح زمین، زیرزمین به طبقهٔ هم‌کف تبدیل می‌شود که پنجاه سانتی‌متر نسبت به حیاط فرورفته‌تر است. به دلیل مشابهت این سبک معماری مسکونی با قلعه‌های بختیاری در مناطقی چون جونقان و چالستر به نام «کردی» معروف شده است. غالباً زیرزمین در این گونه خانه‌ها دارای کارکرد حوضخانه است و به فضای مطبوعی برای فصول گرم سال اختصاص دارد (مانند خانه‌های اعلم، امین‌التجار، حسین‌پناه، و لباف).

خانه الفت دارای حمام سرخانه (خانگی) بوده، این نوع حمام در تعداد محدودی از دیگر خانه‌های قاجاری اصفهان مانند خانهٔ لباف، شیران، و سرتیپ سدهی مشاهده می‌شود. همچنین در دورهٔ قاجار فضایی به نام کالسکه‌خانه برای نگهداری کالسکه در نزدیکی طویله در خانهٔ برخی از اعیان (مانند خانهٔ اعلم) وجود داشته است. خانه الفت نیز دارای

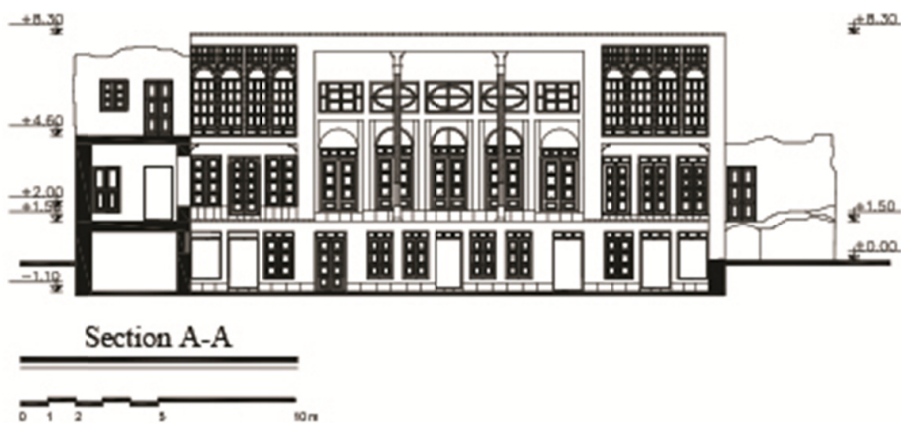


۱. حیاط بیرونی
۲. حیاط اندرونی
۳. حوضخانه
۴. سه دری
۵. پنج دری
۶. دالان ارتباط اندرونی
۷. کفش کن
۸. تالار
۹. ایوان
۱۰. سرمنبع

نقشه ۴. پلان طبقه اول خانه الفت
(ترسیم از: پهلوانزاده و مانی، ۱۳۷۹).



نقشه ۳. پلان طبقه همکف خانه الفت
(ترسیم از: پهلوانزاده و مانی، ۱۳۷۹).



نقشه ۵. نما مقطع A-A (ترسیم از: پهلوانزاده و مانی، ۱۳۷۹).



نقشه ۶. نما مقطع B-B (ترسیم از: پهلوانزاده و مانی، ۱۳۷۹).

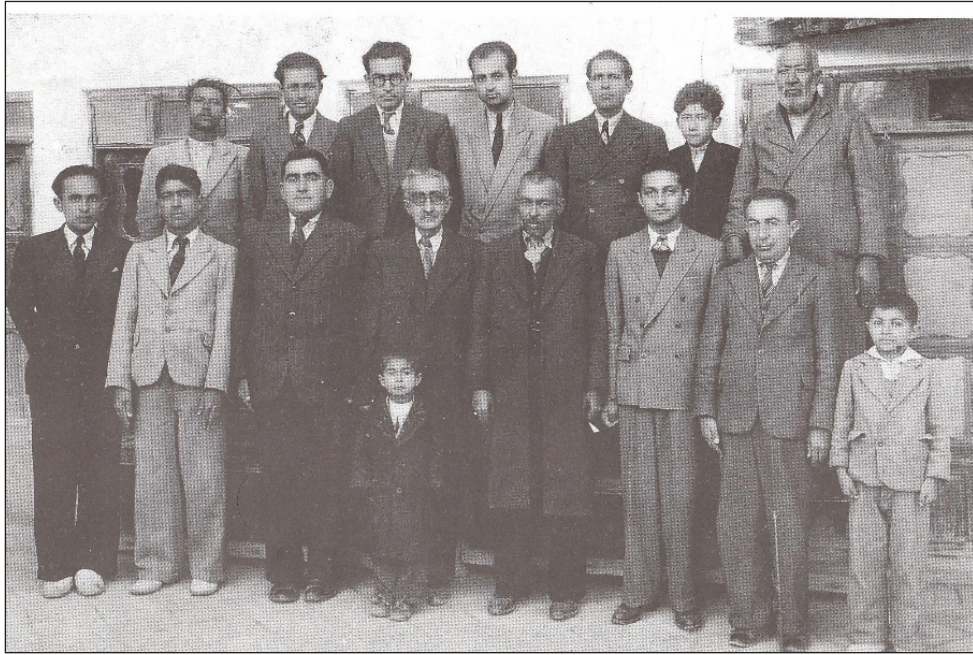
بخش بیرونی، آن را باغ الفت می‌نامیدند. از این رو خانه الفت در ذیل گونه خانه‌باغ‌های تاریخی اصفهان قابل بازشناسی است.

شیوه زندگی از ویژگی‌های بارز خانه الفت است که آن را از بسیاری خانه‌های تاریخی دیگر متمایز می‌کند. رفت‌وآمد به این خانه زیاد و فرهیختگان کشور همچون بدیع‌الزمان فروزانفر و عباس اقبال و از عموم مردم هر کس می‌خواست نزد او می‌آمد و هر اندازه می‌خواست می‌ماند. در واقع در خانه او چون خانقاهی هر روز از اذان صبح تا پاسی از شب به روی همگان باز بود. پذیرایی او در حریم ادب و دور از ریا و تکلف برگزار می‌شد و آزادی و آزادمنشی از رفتار و گفتار و شعر و عقیده و حتی پذیرایی او از مهمان به چشم می‌خورد که همه را شیفته این محفل می‌کرد. رجال بزرگ علمی، سیاسی، هنری و ادبی از هر گوشه‌ای که به اصفهان می‌آمدند، معمولاً به خدمت او می‌رسیدند (تصویر ۱) (کتابی، ۱۳۷۵: ۴۳۶). در خاطره ذیل می‌توان شیوه زندگی در این خانه را تبیین کرد:

فضای کالسکه‌خانه بوده است. به این صورت که سه حجره بازار حسن‌آباد در مجاورت خانه، به نگهداری کالسکه‌ها اختصاص داشته و این حجره‌ها از لحاظ عملکردی، عنصری هم‌پیوند با معماری خانه بوده اند (نقشه ۳ تا ۶).

ویژگی بارز خانه

خانه الفت علیرغم ویژگی‌های بارز معماری و تاریخی، از این جهت که بستر زندگی عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر دوران قاجار، محمد باقر الفت اصفهانی بوده نیز حائز اهمیت است. در خانه‌های تاریخی اصفهان که دارای دو بخش اندرونی و بیرونی هستند، غالباً حیاط بیرونی کوچک‌تر و ساده‌تر از حیاط اندرونی بوده است. اما در مواردی که خانه عملکردهای فرامسکونی پیدا می‌کند (مانند خانه شخصیت‌های برجسته فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) بخش بیرونی شاخص‌تر از اندرونی می‌شود. حیاط بیرونی خانه الفت از نظر ابعاد بزرگتر از حیاط اندرونی بوده و اهالی خانه و مراجعان به



تصویر ۱. حضور بزرگان علم و ادب در خانه علامه محمدباقر الفت در سال ۱۳۲۲ (مأخذ: الفت، ۱۳۹۳).
 ردیف جلو از راست به چپ: شادروان منوچهر قدسی، شادروان جمال‌الدین قدسی، شادروان علی شیخ الاسلام، شادروان نجم‌الدین فضل‌الله نوری، شادروان علامه محمدباقر الفت، کودک ایستاده در جلوی شادروان علامه محمدباقر الفت، منوچهر الفت، شادروان محمدجواد نجفی، شادروان بهاء‌الدین الفت، شادروان بدرالدین کتابی، ردیف عقب از راست به چپ: شادروان میرزا حسین خضوعی، شادروان محمد الفت، شادروان محسن فیض، شادروان جعفرقلی بهاصدری، شادروان عباس بهاصدری، شادروان جعفر کاشانی.

مختلف فراهم می‌گردید و چندین نفر از دانشمندان و فرهنگیان و دوستان الفت گرد آن سفره می‌نشستند و با شنیدن عقاید عارفانه و شوخی‌های لطیف و نکته‌های ظریف - که الفت بر زبان می‌راند - به صرف غذا می‌پرداختند (الفت، ۱۳۸۴: ۵۱۱).

الفت در اصفهان مجله *آفتاب* را بنیاد نهاد که چند شماره آن به چاپ رسید. هیئت تحریریه *آفتاب* در هفته دو روز در خانه الفت دور هم جمع می‌شدند (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۹). بسیاری روایت می‌کنند که خانه الفت محل انجمن ادبی و گردهمایی شعرای اصفهان بوده است. او در این خانه، ضمن فعالیت‌های روزمره، به خواهش و تقاضای دوستان به تألیف و ترجمه یا تصحیح کتاب می‌پرداخت (الفت، ۱۳۸۴: ۳۱). کتابخانه بسیار معتبر الفت در اتاق گوشواره بود. دور تا دور این اتاق دولا‌ب‌هایی ساخته و جهت نگهداری کتاب قفسه‌بندی شده بود (الفت، ۱۳۸۴: ۳۰). ورود به این کتابخانه برای همه دانشمندان و دوستان آزاد بود و به گفته او بدترین احتکارها، جمع‌آوری و حبس کتاب و دور از دسترس خواننده نگاه داشتن آن است. فهرست اسامی کتاب‌ها به تفکیک مطالب و موضوع‌ها در دفتر بزرگی نوشته

«در خانه الفت از صبح زود تا اوایل شب باز بود و هر کس می‌خواست می‌توانست آزادانه به آنجا بیاید. یک بار دزدی به آنجا آمد و مقداری از اثاثیه منزل را با خود برد. پدرم (بهاء‌الدین الفت، پسر علامه الفت) به خدمتکار منزل گفتند: «از این به بعد در خانه را ببندید و هر وقت کسی آمد و در زد آن را باز کنید». مرحوم الفت از این حرف ناراحت شدند و گفتند: «تا من هستم در خانه نباید بسته شود، اگر صبر کنید به زودی بسته خواهد شد» (الفت، ۱۳۸۴: ۵۰۵). همچنین الفت به برخی جوانانی که در اصفهان تحصیل می‌کردند، اتاقی داده و از همان شام و نهار بی‌تکلف به آنها می‌دادند که از لحاظ مسکن و خوراک در مضیقه نباشند و درس بخوانند (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۷). او غالباً در عمارت بیرونی، جدا از خانواده می‌زیست و اوقات خود را به مطالعه می‌گذرانید و در زیرزمین همان عمارت یک کارگاه مجهز نجاری داشت و روزی دو ساعت به کار نجاری می‌پرداخت و قاب عکس و جعبه‌های ظریف و کوچک می‌ساخت و به دوستان خود هدیه می‌داد (الفت، ۱۳۸۴: ۵۱۱). هر روز هنگام ظهر در اتاق نهارخوری او، سفره گسترده می‌شد و چند نوع آش و خوراک ایرانی با انواع ترشی و ماست و مربا و شربت‌های



جمعی از معارف اصفهان

قسمتی از مراسم اهدای کتابخانه شادروان علامه محمدباقر الفت به دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۳
 قسمت دست راست، ردیف چهارم از طرف راست به چپ: شادروان بهاء الدین الفت - دکتر محمدباقر کاتبی.
 قسمت دست چپ، ردیف اول از طرف راست به چپ: شادروان استاد محمد مهریار.

تصویر ۲. مراسم اهدای کتابخانه شادروان علامه محمدباقر الفت به دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۳ (مأخذ: الفت، ۱۳۹۳).

وقوع رخدادها و عملکردهای غیرمسکونی، ترکیب اجتماعی متنوعی را در این خانه پدید آورده است.

حمام در خانه

امروز اغلب خانه‌ها حمام دارند. اما از آغاز شهرنشینی تا حدود نیم قرن پیش اوضاع چنین نبود. به جز خانه‌های اشراف و ثروتمندان که حمام سرخانه داشتند (هولستر، ۱۳۵۵: ۹). در خانه‌های مردم عادی محلی برای استحمام وجود نداشت. از این جهت تشکیلاتی به نام حمام‌های عمومی در شهرها شکل گرفت. تاورنیه در این باره می‌نویسد: «به حمام عمومی رفتن، مخصوص فقرا و طبقه سوم است که استطاعت داشتن حمام مخصوص در خانه را نداشته باشند. مردمان متشخص هر کدام در خانه خود حمامی مخصوص دارند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۲۸ و ۶۲۱). مادام کارلاسرنا حمام سرخانه را این گونه توصیف می‌کند: «هر خانواده کم و بیش مهمی، یک حمام کاملاً چسبیده به خانه خود دارد» (مادام کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۵۳). رایس شیوه حمام رفتن اهل خانه را شرح چنین می‌دهد: «اغنیاء در حیاط خانه خود دارای حمام کاملی

و شماره‌گذاری شده بود، به طوری که دسترسی هر کتاب به آسانی امکان‌پذیر بود (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۸). او آرزو داشت که مردم پس از فوتش، مانند زمان حیات، از کتاب‌های کتابخانه استفاده کنند و کتاب‌ها به سهولت در اختیار همه قرار گیرد. به همین سبب همه کتاب‌های عربی و فرانسه خود را وقف کرد و دستور داد پس از وفاتش، هر چه زودتر به یکی از کتابخانه‌های شهر اصفهان منتقل کنند تا بیشتر مورد استفاده و مطالعه دانش‌پژوهان قرار گیرد (الفت، ۱۳۸۴: ۳۵). پس از فوت الفت، کتابخانه شخصی او به دانشکده ادبیات اصفهان اهدا شد (عکس ۲).

در گذشته تقطیر و گلاب‌گیری به عنوان تکنیکی که هنوز از کارآمدترین روش‌های عصاره‌گیری است، در برخی خانه‌های تاریخی اصفهان (مانند خانه آبغوره در محله تل عاشقان) انجام می‌شده است. تا چند سال قبل از فوت الفت، همه ساله در فصل بهار از گل‌های سرخ محمدی به وسیله دستگاه مخصوصی در زیرزمین خانه گلاب می‌گرفتند و آن‌ها را در شیشه‌های بزرگ و کوچک می‌ریختند و به دوستان و آشنایانشان هدیه می‌دادند (الفت، ۱۳۸۴: ۵۰۵).

ورودی خانه

در گذشته در بافت مسکونی اصفهان، کوچه‌بست و سببه‌هایی وجود داشت که آخر آن‌ها بسته بود و به کوچه «منسده» معروف بودند. سببه واژه‌ای اصفهانی و معنای آن نزدیک به کوچه منسده است. در ورودی برخی خانه‌ها در این کوچه‌ها باز می‌شد و غالباً خانه‌های درون سببه مرغوب‌تر از خانه‌های مجاور شارع عام بوده است. معمولاً بر در هر سببه دروازه‌ای نهاده و شب‌ها و در زمان ناامنی شهر، آن را می‌بندند (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۸). سببه گود و پنبه‌کارها در محله جویبار، سببه ذغالی‌ها در محله احمدآباد، سببه محمدابراهیم صراف و محمدصادق خان انصاری در محله گل‌بهار، مصادیقی از سببه‌های شهر اصفهان بوده است (جناب، ۱۳۹۳).

ورود به خانه الفت صورت پیچیده‌ای داشته است. برای رسیدن به سردر ورودی، باید از دروازه سببه که شب‌ها برای ایجاد امنیت بسته می‌شد، گذر کرد. در طرفین دروازه دو صفا قرار داشت. بعد گذر از کوچه‌بست و سببه سرپوشیده (کوچه منسده)، صفا (میدانچه، میدان کوچک) با شکل تقریبی مربع قرار داشته که دسترسی به بخش‌های اندرونی، بیرونی، طویله و اتاق تون‌تاب حمام از این میدانچه میسر بوده است. فضای سرپوشیده بین اندرونی و بیرونی دارای دری بود که بعد گذر از آن امکان ورود به هشتی بخش بیرونی (در جبهه شرقی) فراهم بوده و از طریق سرپوشیده، دسترسی به اندرون مهیا می‌شد و انتهای سرپوشیده در ضلع غربی ارتباط با خانه جواد نجفی برادر مرحوم الفت را ایجاد می‌کرده است (تصویر ۳). ورودی حمام خانه در بخش اندرونی قرار داشته است.

بیرونی خانه

بخش بیرونی خانه اختصاص به فعالیت‌های مرحوم الفت داشت و او اغلب اوقات در آنجا با دوستان و مهمانان و یا اشخاصی که از دور یا نزدیک به دیدارش می‌آمدند، به سر می‌برد (الفت، ۱۳۸۴: ۲۹). فضاهای بسته و نیم‌بسته بیرونی در جبهه شمالی و شرقی رو به حیاط قرار گرفته و دسترسی به حیاط آن از طریق هشتی در ضلع شرقی است. داشتن سلسله مراتب ورود مجزا سبب استقلال بخش بیرونی از اندرونی شده است.

طبقه اول جبهه شمالی به اندازه ۱۵۰ سانتی‌متر از سطح حیاط بالاتر است. ایوان در مقابل فضاهای این طبقه قرار گرفته و دو ستون چوبی با تزیینات گچبری ایستایی آن را تأمین می‌کند. سقف ایوان تخت و دارای قاب‌بندی چوبی است. در مرکز این جبهه تالار شاه‌نشین به فرم نیمه‌چلیپایی و در دو طرف آن دو اتاق سه‌دری قرار داشت که اتاق

هستند. حتی برای آنها نیز روز حمام رفتن، روز هیجان‌انگیزی است. برای گرم کردن آب به سوخت زیادی نیاز است و هر روز حمام رفتن، امری مربوط به زندگی تجملی است که برای آنها ناشناخته است. به احتمال هفته‌ای یک بار تون حمام را گرم می‌کنند و همه زنان و کودکان اهل منزل با هم به حمام می‌روند. گاه ساعت‌ها در آن جا وقت می‌گذرانند؛ نخست در سربینه یا رختکن، پس از آن در قسمت گرم و سپس در قسمت سرد حمام. هیاو و بذله‌گویی و شوخی بسیاری به راه می‌اندازند. پس از ترک حمام، دوباره تون را آتش می‌کنند و حمام را برای مردان اهل منزل آماده می‌سازند» (رایس، ۱۳۶۶: ۱۵۷). حمام‌های سرخانه با توجه به توان اقتصادی و موقعیت مالک خانه، از وسعت و نفاست متفاوتی برخوردار بوده‌اند. تعداد اندکی از خانه‌های تاریخی اصفهان مانند خانه الفت، شیران، لباف، سرتیپ محمدحسین خان امینی سدهی (خمینی‌شهر)، و مجموعه خانه‌های ملباشی و شیخ الاسلام دارای حمام سرخانه بوده‌اند. الگوی ترکیب حمام در خانه به دو صورت بوده است. برخی حمام‌های سرخانه در بخشی از پلان خانه و غالباً در همجواری فضاهای خدماتی مانند مطبخ و انبارها و... قرار داشته‌اند (مانند حمام خانه شیران و لباف)، برخی دیگر به صورت مجزا و در همسایگی خانه واقع بوده‌اند (مانند حمام خانه الفت و سرتیپ سدهی).

بین دو بخش بیرونی و اندرونی خانه الفت حمام قرار داشت. منوچهر قدسی یکی از دوستان مرحوم الفت در توصیف این حمام می‌نویسد: «بین بیرونی و اندرونی، حمام بسیار معتبری بود که هر جمعه آن را گرم می‌کردند و خصیصین دوستان، گاه هفت هشت نفر به حمام می‌رفتند» (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۸). این حمام سرخانه به مانند حمام‌های عمومی از سه جزء سربینه (رختکن)، میان‌در و گرمخانه تشکیل و نسبت به سطح زمین، پایین‌تر ساخته شده است. ورودی گرمخانه با راهرو و دهلیزهایی ترکیب شده، به نحوی که مانع خروج گرما از فضای گرم‌خانه بوده و با یک پیچ به سربینه راه دارد. پیرامون سربینه صفاهایی برای نشستن و در مرکز آن حوض قرار داشته است. سپس فضای میان‌در به شکل راهروی غیر مستقیم رختکن را به گرمخانه می‌رساند. تون (گلخن) گرمابه زیر خزینه در بخش گرم‌خانه احداث شده و علاوه بر گرم کردن آب خزینه، ساختمان حمام را نیز گرمی می‌بخشیده است. سوخت حمام به وسیله برگ خشک گیاهان و فضولات حیوانی تهیه و آب آن از چاه حیاط اندرونی تأمین می‌شد. همچنین دیوارهای حمام مزین به کاشیکاری نفیسی بود. کاشی علاوه بر تزیین موجب استقامت بیش‌تر ساختمان در برابر رطوبت و بخار آب می‌شده است.



تصویر ۳. فضای سرپوشیده بین بیرونی و اندرونی خانه الفت
(عکس از: پهلوانزاده، ۱۳۷۹).

کرسی می‌نشستند. کتابخانه بسیار معتبر الفت هم در همان گوشواره محل نشیمن زمستانی او بود (تصویر ۴ و ۵) (الفت، ۱۳۸۴: ۳۰).

جبهه اصلی بیرونی خانه در ضلع شمالی واقع شده و برای بهره‌برداری بیشتر از فضای این جبهه از سطح زمین بالاتر رفته و فضای زیرزمین تنها به اندازه ۵۰ سانتی‌متر از سطح حیاط پایین‌تر قرار می‌گیرد. این بخش که به خاطر بالا آمدن کف آن در حکم طبقه همکف است، با حضور حوض آب به فضای دلنشینی مبدل شده که محل برگزاری جلسات شعرخوانی مالک خانه (الفت اصفهانی) بوده است. بخشی از فضاهای این طبقه در زیر ایوان فوقانی قرار دارند و با پنجره‌هایی نور و تهویه فضاهای پشت را تأمین می‌نمایند و به صورت یک فضای پیش‌ورودی عمل می‌کنند. در این طبقه به وسیله لوله‌کشی مخصوصی، آب به شکل دوش از سقف به داخل حوض می‌ریخت و هوای آن را در فصل تابستان خنک و مطبوع می‌کرد (الفت، ۱۳۸۴: ۲۹). در طرفین این حوضخانه دو اتاق قرار داشت که مرحوم الفت در آنجا چوب و وسایل نجاری گذاشته بود و از آن جا به عنوان کارگاه

سمت شرق مخصوص خدمتگزاران و اتاق سمت غرب محل استراحت دوستان و یا مهمانانی بود که از شهرهای دیگر به دیدار الفت می‌آمدند و مدتی در خانه او اقامت می‌کردند (الفت، ۱۳۸۴: ۳۰). تالار ارتفاعی معادل دو طبقه دارد و به رغم اینکه با پنج در به ایوان مقابل باز می‌شود، در ارتفاع بالاتر نیز دارای پنجره‌هایی رو به بیرون است (مانند خانه تاریخی حاج صباغ). در بالای اتاقهای سه‌دری، اتاق‌های گوشواره قرار داشت. پنجره‌های این اتاق به حیاط، ایوان، و تالار گشوده می‌شد. بالاخانه غربی اتاق بهاء‌الدین فرزند الفت بود (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۸). تالار با صندلی‌هایی که ساخت مرحوم الفت بود، مبلمان (کتابی، ۱۳۹۵) شده بود و دوستان الفت جمعه‌ها و اول شب‌ها در این تالار جمع می‌شدند. همچنین غزلیات الفت و سعدی به خط مرحوم شیدا بر روی دیوارهای تالار خطاطی شده بود و چند نقشه جغرافیا، از جمله نقشه اصفهان، به دیوار تالار نصب بود (قدسی، ۱۳۷۷: ۷۸). وقتی هوا معتدل بود، دوستان الفت در این تالار جمع می‌شدند. اما تابستان‌ها اول شب به ایوان مقابل این تالار می‌آمدند و زمستان‌ها در اتاق گوشواره طبقه دوم، الفت کرسی می‌گذاشت و دوستان دور

وجود داشته است. بدنه حوض و ستون‌های سنگی حوضخانه نیز دارای حجاری بوده اند.

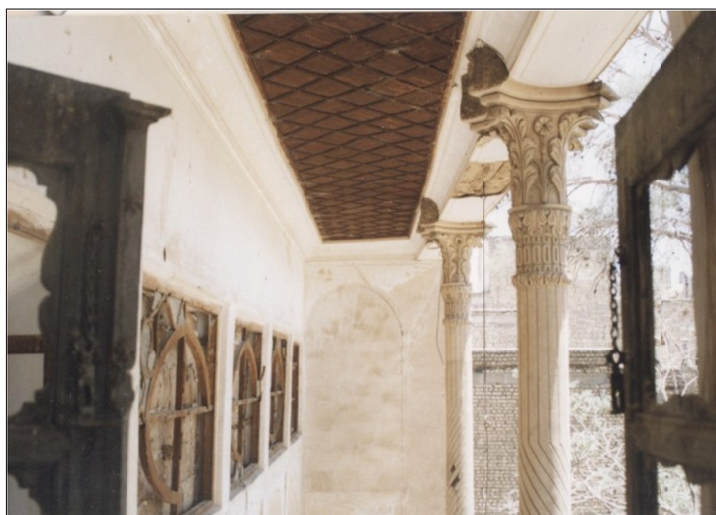
الفت در بین درختان زینتی و سایه‌دار، به مرغوبیت درخت «افرا» پی برده و متوجه شده بودند که این درخت علاوه بر خوبی و استحکام چوب، زودتر از سایر درختان در فصل بهار برگ‌هایش باز شده و دیرتر از آنها در فصل پاییز می‌ریزد. از این جهت هر ساله آن در باغچه‌ای در حیاط خانه می‌کاشتند و نهالش را برای کاشتن در اختیار مردم قرار می‌دادند. اکنون یکی از این درختان، از یادگار آن دوران، در کنار خیابان منوچهری به جا مانده است (الفت، ۱۳۸۴: ۵۱۰).

نجاری استفاده می‌کرد. در ضلع‌های شرقی و غربی این دو اتاق، پلکان‌هایی بود که از طریق آن‌ها به طبقه اول ساختمان می‌رفتند (تصویر ۶ و ۷) (الفت، ۱۳۸۴: ۳۰).

خط آسمان بنا صاف و اکثراً دارای پوشش‌های تخت بود و در برخی فضاها مانند دالان‌ها به صورت طاق آهنگ اجرا شده بود. همچنین قوس‌های به‌کاررفته به صورت نیم‌دایره بوده است. تزیینات بخش بیرونی، اندک و غالباً به صورت سطحی بوده است. تزیینات حجمی شامل سرستون‌های ایوان به صورت گچبری برجسته با نقوش گیاهی و چدنی‌بری در بخاری‌های دیواری است. همچنین در اغلب فضاها تزیینات گچبری شیر و شکری در دیوارها به صورت حمیل‌کشی و قاب‌بندی چوبی در برخی موارد همراه با نقاشی در سقف‌ها



تصویر ۴. جنبه شمالی حیاط بیرونی خانه الفت (مأخذ: پهلوان‌زاده، ۱۳۷۹).



تصویر ۵. تزیینات قاب‌بندی چوبی (آلت و لقط) و گچبری برجسته سرستون ایوان کردی (مأخذ: پهلوان‌زاده، ۱۳۷۹).

شده و ارتباط مستقیمی با حیاط و بخش خدماتی خانه داشته است. در این بخش خانواده الفت ساکن بودند (الفت، ۱۳۸۴: ۲۹). ضلع جنوبی از جهت انتظام فضایی تشابه فراوانی با جبهه شمالی بیرونی دارد. با این تفاوت که اتاق های سه دری طرفین دارای شکل نیمه چلیپایی است.

وضعیت حفاظت خانه

الفت درباره ضرورت حفاظت از خانه معتقد بوده است: «مردم تصور می کنند وقتی که دارای خانه ای یا نوکری شدند آزادتر

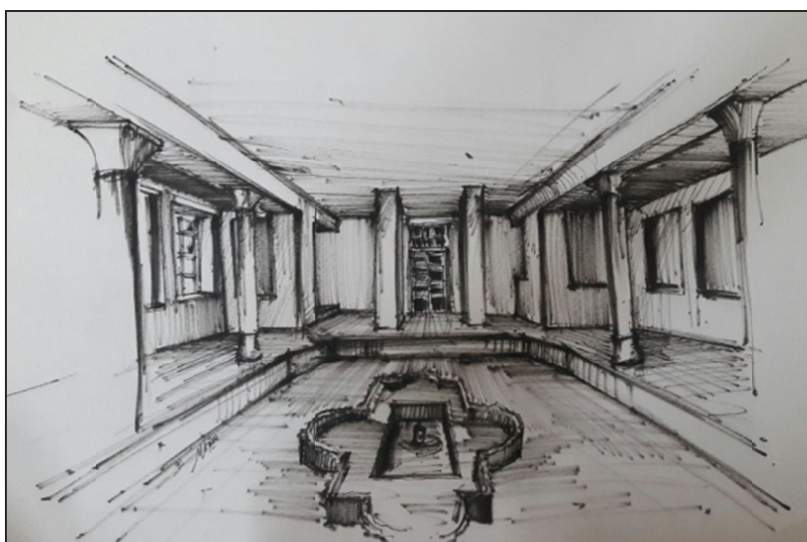
الفت، حتی به حیوانات نیز عشق می ورزید. در تمام عمر برای او و سفره او مرغ و ماکیان نکشتند. با کشتن گوسفند هم در خانه مخالفت می نمود. وقتی چند پرنده (ظاهرا فاخته) در طاقچه بلند اتاقش خانه کرده و بچه آوردند، الفت قدغن کرد کسی بدان اتاق رود تا بچه فاخته ها پر درآورند و به طبع اتاق را ترک کنند (قدسی، ۱۳۷۷: ۹۹).

اندرونی خانه

اندرونی خانه در سه جبهه پیرامون حیاط مرکزی سازماندهی



تصویر ۶. حوضخانه خانه الفت (عکس از: پهلوانزاده، ۱۳۷۹).



تصویر ۷. حوضخانه خانه الفت (طرح از: عمرانی، ۱۳۹۵).

پی‌نوشت

۱. خاندان آقا نجفی از روحانیون پرنفوذ در دوران قاجار و حاکمیت ظل السلطان در اصفهان بوده‌اند. خانه‌های این خانواده در پشت مسجد جامع عباسی (شاه) بوده است.

منابع

- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف الاصفهان. با تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: چاپخانه سپهر.
- الفت، بهاء‌الدین. (۱۳۹۳). حاصل عمر. به اهتمام محمود الفت. اصفهان: دژنیش.
- الفت، بهاء‌الدین. (۱۳۹۳ الف). گلشن الفت: حاوی مطلع اشعار شاعران در یک وزن، قافیه و ردیف. به اهتمام محمود الفت. اصفهان: دژنیش.
- الفت، لاله. (۱۳۸۴). گنج زری بود در این خاکدان. اصفهان: نشر نوشته.
- الفت، محمدباقر. (۱۳۴۷). دیوان الفت. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- الفت، محمود (شاعر و نوهی مرحوم الفت). (۱۳۹۵). گفت‌وگوی شخصی با مریم قاسمی سیجانی، آزاده حریری، شیرین قاسمی سیجانی و ندا مقبل. اصفهان: بازارچه حسن‌آباد، کوچه الفت.
- بهشتیان، عباس. (۱۳۴۳). بخشی از گنجینه آثار ملی. اصفهان: چاپخانه حبل‌المتین.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). ج ۲. با ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۷). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). سفرنامه. ترجمه ابوتراب خسروی. اصفهان: تایید.
- جبل عاملی، عبدالله. (۱۳۷۴). «خانه‌های اصفهان در دوران معاصر». در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم. ج ۴. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جناب، میرسیدعلی. (۱۳۹۳). احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۷). گنج‌نامه: خانه‌های اصفهان. ج ۴. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دیبا، داراب و فیلیپ ریوالت و سرژ سانتلی. (۱۳۹۲). خانه‌های اصفهان. ترجمه مریم قاسمی سیجانی. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- رایس، کلارا کالیور (هوموند). (۱۳۶۶). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- رجایی، عبدالمهدی. (۱۳۹۳). دروازه و بازار حسن‌آباد. به همت محمدعلی ایزدخواستی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران: سفرنامه کارلا سرنا.

اند، در حالی که تکالیف دیگری نسبت به آن دو دارند. باید نوکر را مسکن داد و از او مواظبت نمود، خانه را تعمیر کرد. در قانون صدر اسلام کسی نمی‌توانست ملکی را خراب بیندازد. حاکم شرع او را محبور می‌نمود یا تعمیر و معمور نماید و یا بفروشد. حالیه چنین نیست که مردم تصور می‌کنند هر کس می‌تواند ملک و یا خانه خود را هر قسم می‌خواهد خراب کند و خراب بیندازد» (الفت، ۱۳۸۴: ۳۸۶).

خانه الفت سال‌های متمادی به صورت متروکه رها شده بود و در مهرماه ۱۳۸۴ ش، همسایگان مقدار زیادی هیزم به باغ خانه بردند و آتش افروختند. این امر باعث ایجاد آسیب‌های زیادی به این بنای ارزشمند شد. در ابتدا بخش بیرونی خانه تخریب شد و در سال ۱۳۸۵ خانه تاریخی الفت به طور کامل تخریب گردید و هم اکنون به جای بخشی از عرصه خانه، ساختمان‌های نوساز احداث گردیده و بخش‌های دیگر آن بایر است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مستندات موجود در جهت تبیین ارزش‌ها و بازآفرینی هویت خانه‌باغ الفت تلاش شد تا با بازشناسی وجوه کالبدی و فراکالبدی این خانه، بستری ایجاد شود که مخاطبان نسبت به حذف نادرست یک خانه ارزشمند تاریخی و فرهنگی قدری تأمل کنند. این پژوهش حرکتی سازنده در مقوله بازشناسی بخشی از هویت میراث مسکونی شهر اصفهان است که امروز حضور کالبدی ندارد. با این هدف که زمینه‌ای ایجاد شود که به ماهیت خانه‌های تاریخی دیگر که بستر فرهنگ، تاریخ، تحولات اجتماعی شهر اصفهان هستند، توجهی درخور و شایسته شود. در غیر این صورت با تداوم تغییرات و تحولات سریع کنونی در آینده‌های نه چندان دور، شاهد از بین رفتن خانه‌های تاریخی دیگری خواهیم بود؛ میراثی که به هیچ وجه تجدیدپذیر نخواهد بود. این مستندسازی اطلاعات لازم برای امکان‌سنجی بازسازی خانه الفت در زمینه اصلی آن را فراهم کرد. لازم است در راستای این امکان‌سنجی با توجه به توصیه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حفاظت در سطح بین‌المللی و ملی و ساختار محله حسن‌آباد و هم‌اندیشی‌های گسترده پژوهشگران عرصه حفاظت در سطح درون‌کشوری تصمیماتی اتخاذ شود.

سپاسگزاری

نویسندگان مراتب سپاس خود را از دکتر لیلا پهلوان‌زاده جهت در اختیار گذاشتن مستندات تصویری و ترسیمی خانه تاریخی الفت اعلام می‌دارند.

- قدسی، منوچهر. (۱۳۷۷). دولت دیدار. به کوشش بهزاد قدسی. اصفهان: انتشارات آتروپات.

- کاراپتینان، کاراپت. (۱۳۸۵). خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان. ترجمهٔ مریم قاسمی سیچانی. تهران: فرهنگستان هنر.

- کتابی، سیدمحمدباقر. (۱۳۷۵). رجال اصفهان. اصفهان: انتشارات گلها.

- کتابی، سیدمحمدباقر (ادیب و پژوهشگر). (۱۳۹۴). گفت‌وگوی شخصی با آزاده حریری. اصفهان: خانهٔ شخصی.

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه‌شناسی درونگرا. تهران: سروش دانش.

- هولستر، ارنست. (۱۳۵۵). ایران در یکصد و سیزده سال پیش. ترجمهٔ محمد عاصمی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

ترجمهٔ غلامرضا سمیعی. [تهران]: نشر نو.

- شاردن، جان. (۱۳۷۴). سفرنامهٔ شاردن. ترجمهٔ اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس.

- شاردن، ژان. (۱۳۷۹). سفرنامهٔ شاردن. ترجمهٔ حسین عریضی. به کوشش مرتضی تیموری. اصفهان: نشر گلها.

- شفقی، سیروس. (۱۳۸۱). جغرافیای اصفهان. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

- قاسمی سیچانی، مریم و آزاده حریری. (۱۳۹۵). خانه‌های قاجاری اصفهان. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

- قاسمی سیچانی، مریم و غلامحسین معماریان. (۱۳۸۹). «گونه‌شناسی خانهٔ دورهٔ قاجار در اصفهان». در هویت شهر، ش ۷، ص ۸۷-۹۴.